

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مجعل شارع در باب امارات و اصول عمليه

بحث جمع بين حكم ظاهري و واقعي تمام شد. اما بحثي كه آثاري هم دارد و بحث مهمي است، اين است كه آيا شارع در باب امارات و اصول عمليه مجعولي دارد يا ندارد؟ وقتي كه شارع اماره را معتبر قرار داده است، آيا اساساً مجعولي بنحو حكم تكليفي يا حكم وضعي دارد؟ بحث را بايد بصورت جداگانه بررسي كنيم، اول در امارات، بعد در اصول محرز و بعد هم در اصول غير محرز؛ و بحث هم در دو مقام است: يك مقام، مقام ثبوت است؛ يعني ثبوتاً ببينيم چه احتمالاتي ممكن است. و مقام دوم، مقام اثبات است كه ببينيم از ظواهر ادله داله بر حجيت امارات چه چيزي استفاده مي شود؟

احتمالات موجود در مقام ثبوت در باب امارات

در مقام ثبوت، در باب امارات، مجموعاً پنج احتمال وجود دارد. يك احتمال همان است كه مرحوم آخوند در راه اول جمع بين حكم واقعي و ظاهري بيان كردند؛ و آن اين كه بگوئيم مجعول عبارت از منجزيت و معذريت است؛ بدین معنا كه اگر اين خبر مطابق با واقع در آمد منجز واقع است و اگر مكلف مخالفت كرد استحقاق عقاب دارد؛ و اگر اين خبر مطابق واقع در نيامد معذر است. پس، احتمال اول اين است كه بگوئيم مجعول، منجزيت و معذريت است كه محور اينها در مسئله استحقاق عقاب و عدم استحقاق عقاب است. احتمال دوم احتمالي است كه مرحوم نائيني فرمودند؛ مبني بر اين كه مجعول در باب امارات طريقت و تتميم كاشفيت است.

احتمال سوم احتمالي است كه مرحوم محقق اصفهاني داده است كه مجعول در باب امارات خود حجيت است؛ يعني بگوئيم شارع اماره، خبر واحد را به عنوان حجت جعل کرده است. احتمال چهارم همان است كه مرحوم شيخ فرمود؛ و آن اين كه بگوئيم مجعول عبارت از مؤدي است؛ يعني شارع آمده مؤدای اماره و خبر واحد را به عنوان واقع قرار داده است. احتمال پنجم اين است كه بگوئيم اساساً در باب امارات مجعول نداريم، نه بعنوان حكم تكليفي و نه بعنوان حكم وضعي؛ بلكه شارع آنچه را كه بين عقلا وجود دارد كه عبارت از عمل به خبر واحد باشد را امضا کرده است. اگر از عقلا سؤال كنيم كه چه عنواني براي خبر واحد جعل کرده ايد؟ مي گويند بنای عملي ما بر عمل به خبر واحد است. شارع آمده اين را امضاء فرموده است، اما امضای شارع معنايش اين نيست كه شارع در اینجا حكمي را به عنوان حكم تكليفي يا حكم وضعي جعل کرده است.

آثار مترتب بر بحث مجعول در باب امارات

اما این بحث که مجعول در باب امارات چیست؟ در چند جا مفید است؛ یکی در سال گذشته مفصل بحث کردیم که آیا امارات قائم مقام قطع طریقی و قطع موضوعی می‌شوند یا نه؟ بحث مجعول در باب امارات در آنجا مفید و مؤثر است. دوم در بحث اجزاء مؤثر است؛ در مباحث جلد اول کفایه - که آن را هم به صورت مفصل بحث کردیم - مطرح می‌شود و ثمره مهم این بحث که مجعول در باب امارات چیست؟ در بحث اجزای حکم ظاهری از حکم واقعی ظاهر می‌شود. ثمره سوم این مطلب در بحث اینکه آیا امارات بر اصول عملیه حکومت دارند یا ورود؟ ظاهر می‌شود و این بحث تعیین کننده آن است.

بررسی احتمالات فوق

اما مسئله منجزیت، آیا امکان دارد که شارع منجزیت را جعل کند؟ اگر در ذهن شریفان باشد، مرحوم نائینی در رد بر مرحوم آخوند فرمودند: منجزیت از آثار عقلیه‌ی مترتبه است و ربطی به شرع ندارد که شارع بگوید در صورت مخالفت استحقاق عقاب است وگرنه استحقاق عقاب نیست؛ استحقاق عقاب امر عقلی است و ارتباطی به شارع ندارد. عقل باید معین کند که آیا استحقاق عقاب وجود دارد یا ندارد؟ اشکال: ممکن است کسی بگوید قبول داریم بحث استحقاق عقاب دست عقل است، اما خود جعل عقاب، به دست شارع است. اینجا منظور عقاب قیامت نیست؛ بلکه منظور این است که بگوییم شارع بگوید اگر کسی این کار را کرد عذابش می‌کنم. کما اینکه در بعضی از آیات شریفه آمده است: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا» بگوییم شارع در باب اماره بحثی از استحقاق ندارد که اشکال کنید استحقاق امر عقلی است بلکه مجعول عقاب است؛ می‌گوید اگر به این اماره عمل کردی، بهشت؛ و اگر عمل نکردی و موافق با واقع در آمد، عقاب را جعل می‌کنم؛ این که دیگر شرعی است و اشکالی ندارد؟

جواب: اینجا سؤال می‌کنیم این عقاب بر چه چیزی است؟ آیا عقاب بر مخالفت اماره است؟ در جایی که مثلاً اماره می‌گوید نماز جمعه واجب است و در واقع هم آمده نماز جمعه واجب است، اگر شخص بر طبق اماره عمل نکرد، شما می‌فرمایید شارع جعل عقاب کرده است، سؤال این است که آیا این عقاب بر مخالفت با این اماره است یعنی چون شخص با این اماره من حیث هی اماره مخالفت کرده، عقاب دارد یا نه، عقاب بخاطر مخالفت با واقع است؟ روشن است که کسی ملتزم نمی‌شود مخالفت با اماره عقاب دارد. جایی که يك اماره هم مطابق با واقع است اگر مکلف عملاً مخالفت کرد، هیچ کس نمی‌تواند ملتزم شود که مخالفت با این اماره عقاب دارد. پس، باید بحث را متمرکز کنیم روی واقع، بگوییم شارع بر مخالفت با واقع جعل عقاب کرده است. می‌گوییم اینجا فرض این است که شخص چهل به واقع دارد و اماره هم برای او علم نمی‌آورد، خود شما هم قبول دارید در جایی که شیء مجهول است، تنجز وجود ندارد. حال، آیا می‌توان گفت که خود این جعل عقاب بمنزلة العلم باشد؟

بگوییم شارع می‌گوید در صورت مخالفت با اماره تو را عقاب می‌کنم به خاطر واقع و همین جعل عقاب صالح للبیانیه باشد که دیگر قبح عقاب بلا بیان جاری نشود؟ - این بحث را دقت بفرمایید که هم شرین است و هم مهم - بالاخره این سؤال مطرح می‌شود که اگر مکلف به خبر عمل نکند، آیا ممکن است که شارع جعل عقاب کند؟ می‌گوییم معنا ندارد که مخالفت با اماره عقاب آور باشد؛ در جایی که امارات متضاد و متناقض با یکدیگر باشند، نمی‌شود که مخالفت با آنها سبب عقاب باشد. پس، اگر عقابی بخواهد باشد باید بر مخالفت با واقع باشد. حالا می‌گوییم باید این مسئله را از زاویه قبح عقاب بلا بیان بررسی کنیم؛ عقل می‌گوید عقاب در جایی است که بیان باشد و اگر در جایی بیان نبود عقاب هم نیست. آیا نفس این که شارع در مورد اماره فرمود اگر کسی مخالفت کند او را بخاطر واقع عقاب می‌کنم، صحیح است؟ آیا شارع می‌تواند این را بگوید؟ نه، چنین مطلبی را نمی‌تواند بگوید، برای اینکه این صلاحیت برای بیانند ندارد و نمی‌تواند خودش بیان باشد و موضوع قاعده قبح عقاب بلا بیان را کنار بزند. مثلاً در همین آیه شریفه که بیان شد و خدا جعل عقاب فرموده بر کسی که مؤمنی را متعمداً بکشد، اگر فرضاً کسی از

این حکم اطلاع ندارد، برای او منجز نخواهد بود؛ هر چند در واقع جعل عقاب باشد.

می‌گوییم جایی که نسبت به خود حکم واقعی صریحاً شارع جعل عقاب فرموده، چطور می‌گویید با وجود جهل تنجز نیست، اینجا هم همینطور است؛ اینجا نیز خداوند در مورد مخالفت با اماره جعل عقاب کرده است، ولی منافات ندارد که بگوییم چون نسبت به واقع جاهل است، عقابی نیست؛ یعنی تنجز نیست و جایی که تنجز نباشد، عقاب نیست. بنابراین، خلاصه اشکال بر بیان مرحوم آخوند در مورد این که بگوییم مجعول در باب امارات منجزیت و معذرت است، این شد که می‌گوییم اگر مرادتان استحقاق است، استحقاق امر جعلی شرعی نیست و بدست عقل است؛ و اگر مقصودتان خود جعل عقاب است، می‌گوییم جعل عقاب بر مخالفت با اماره معنا ندارد و باید بر مخالفت با واقع باشد؛ مخالفت با واقع نیز در جایی که جهل باشد، چون واقع تنجز ندارد، ممکن نیست. لذا، این فرمایش مرحوم آخوند ثبوتاً امکان ندارد و کنار می‌رود.

بررسی کلام مرحوم اصفهانی

بعد از بررسی کلام مرحوم آخوند کلام مرحوم محقق اصفهانی که احتمال سوم بود را مورد بررسی قرار می‌دهیم. مرحوم اصفهانی فرموده مجعول منجزیت نیست، بلکه شارع خود حجیت را جعل کرده است؛ و می‌فرماید حجیت یعنی «ما یصح الاحتجاج به» چیزی که مولا و عبد، هر دو می‌توانند به آن احتجاج کنند؛ مولا می‌تواند بگوید چرا انجام دادی؟ عبد هم بگوید بخاطر اماره؛ یا مولا بگوید چرا مخالفت کردی؟ باید عقاب شوی. مرحوم اصفهانی در توضیح این مطلب می‌فرماید: حجیت سه نوع است: «حجیت ذاتی» مثل آنچه که در باب قطع بیان می‌کنند؛ «حجیت انتزاعی» مثل این که در ظواهر و عمل به ظواهر، عقلا و عرف بنای عملی‌شان بر این است که **هذا مما یصح الاحتجاج به**، عقلا می‌گویند ظواهر حجت است و از این مفهومی را بنام حجیت انتزاع کنیم؛ و «حجیت اعتباری» مثل این روایت که می‌فرماید: «فإنهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم» که در اینجا جعل حجیت بالاعتبار است.

نتیجه این می‌شود که در باب امارات مثل ظواهر یا مثل خبر ثقه، شارع حجیتی، - یا حجیت انتزاعی یا حجیت اعتباری، که انتزاعی هم برمی‌گردد به منشأ انتزاعش که عقلاست - به معنای **ما یصح الاحتجاج به** جعل کرده است. مرحوم اصفهانی توضیح می‌دهد: شارع يك اغراض واقعی دارد، يك احکام مولوی دارد، که اگر از اول آنها را به خود عبد موکول کند که برود این اغراض و احکام را امتثال کند، اکثر احکام واقعی از دست عبد فوت می‌شود، كثرة الخطاء برایش به وجود می‌آید؛ و اگر هم بخواهد احتیاط را واجب کند، صعب و مشکل است؛ بنابراین، شارع می‌گوید خبر واحد و خبر ثقه چون غالب المطابقه با واقع است، لذا حجیت را برای آن اعتبار کرده است و **یصح الاحتجاج به**. در انتهای مطالبشان هم تعریضی بر مرحوم نائینی - که قائل به طریقت است - می‌زند که در این صورت، دیگر لازم نیست شارع بگوید من اماره را محرز و طریق به واقع قرار می‌دهم.

در اینجا اشکالاتی که بر مرحوم آخوند وارد بود، جریان پیدا نمی‌کند؛ برای اینکه اگر حجیت را بمعنای منجزیت و معذرت می‌گرفت، اولاً عین کلام مرحوم آخوند می‌شد و فقط لفظ و تعبیر را عوض کرده است؛ اگر مرحوم اصفهانی می‌گفت مراد ما از حجیت، منجزیت و معذرت است، می‌گفتیم که شما لفظ را عوض کرده‌اید و خود مرحوم آخوند نیز در کفایه گاه تعبیر می‌کند به منجزیت و معذرت و گاه هم می‌گوید حجیت، حجیتی که قدر جامع بین منجزیت و معذرت است؛ و در این صورت، همان اشکالات منجزیت و معذرت را دارد. اما در اینجا بحث عقاب نیست و شارع خبر واحد را حجت بمعنای لغوی، یعنی **ما یصح الاحتجاج به** گرفته است و نه استحقاق عقاب. لذا، اگر در جایی دیدید که بگویند همان اشکالاتی که بر مرحوم آخوند وارد است بر مرحوم اصفهانی نیز وارد است، ناشی از عدم دقت در کلام ایشان است. البته بعضی از اشکالات بر مرحوم اصفهانی وارد است؛ از جمله این که: **اولاً** ایشان فرمود حجیت قطع ذاتی است و این با مبنای خود ایشان ناسازگار است که حجیت قطع را ذاتی نمی‌دانند. البته شاید بتوانیم بگوییم که ایشان در مقام اینکه اقسام حجیت را دارد بیان می‌کند، حجیت ذاتی، حجیت انتزاعی

و حجیت اعتباری، روی نظر مشهور مطلب را بیان می‌کند، و الا روی نظر خود ایشان حجیت قطع ذاتی نیست. بنابراین، این اشکال ولو بر ظاهر عبارت مرحوم اصفهانی وارد است، اما اشکال مهمی نیست.

ثانیاً: اشکال مهم این است که در باب امارات، شارع طریقه امضاء را پیش گرفته است و امضاء جعل جدید نیست؛ بلکه امضاء یعنی همانی که نزد عقلاست را شارع صحیح می‌داند. عقلاً خبر واحد را مما یصح الاحتجاج به می‌دانند، شارع هم می‌آید این را امضاء می‌کند؛ اما معنای امضاء این نیست که شارع حجیت را جعل کرده است. معنای امضای شارع این نیست که بگوید من هم مثل عقلاً حجیت را برای خبر ثقه جعل می‌کنم. پس، شارع جعلی ندارد. نکته‌ای که وجود دارد این است که ممکن است کسی بگوید عقلاً در امور مهمه به خبر واحد عمل نمی‌کنند، اما شارع در امور مهمه - مثل حدود و دیات و خمس و صلاة - فرموده به خبر عادل عمل کنید؛ ثانیاً ممکن است کسی بگوید عقلاً به خبر واحد و خبر عادل بلا واسطه عمل می‌کنند، اما اخباری که الان در دست ماست تا به امام معصوم برسد چندین واسطه می‌خورد، آیا بگوییم عقلاً اینجا عمل نمی‌کنند؟

بگوییم نه، شارع می‌گوید خبر عادل ولو صد واسطه داشته باشد باید عمل کند. اگر کسی این را بگوید، آن وقت حجیتی که شارع اینجا عمل می‌کرده، می‌شود حجیت تأسیسی؛ اما اشکال این است که ما در همان مطلب تردید داریم که عقلاً در امور مهمه و غیر مهمه هر دو عمل می‌کنند؛ عقلاً در مع الواسطه و بی واسطه هر دو عمل می‌کنند؛ و این نکته خیلی مهمی است که ما ان شاء الله در بحث خبر واحد به زودی ان شاء الله این بحث را حتماً خواهیم داشت. لذا، می‌توانیم بگوییم تمام آنچه که شارع در خبر واحد مطرح کرده امضائی است و نه تأسیسی. این هم بررسی کلام مرحوم اصفهانی. دو سه احتمال دیگر می‌ماند که انشاءالله روز شنبه. و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهرین.